

ونزوئلا

شعله های انقلاب روی چاه های نفت

آلفردو پاور - اندره شیر
ترجمه و تدوین "ش. م. بهرنگ"

وقتی در فوریه 1992 میلادی سربازان ارتش ونزوئلا زیر رهبری سروان «هوگو چاوز» برای سرنگونی حکومت فاسد ونزوئلا به یک قیام ناموفق دست زدند، خیلی از محافل سیاسی کشور فکر کردند که این هم یکی از کودتاهای نظامی رایج در امریکای لاتین بوده و نه بیشتر. آنها احتمالاً پنداشتند که «هوگو چاوز» را سال های پر مشقت زندان "سر عقل آورده" و رام کرده است. همان ها وقتی چاوز در سال 1998 خود را به برای پست ریاست جمهوری کاندید کرد کوچکترین شانس برای او در نظر نگرفتند.

ولی آنچه محال پنداشته می شد، جامه امکان در بر کرد: «هوگو چاوز» با حمایت گسترده کلیه سازمان های مترقی ونزوئلا با 60 درصد آراء به عنوان رییس جمهور انتخاب شد. اگر چه دو حزب قدیمی ونزوئلا (حزب سوسیال دموکرات و حزب دموکرات مسیحی) که سال های سال قدرت سیاسی را مثل توپ فوتبالی به یکدیگر پاس می دادند، در آخرین لحظات کاندیدای مشترکی اعلام کرده بودند.

محافل سیاسی ونزوئلا و امریکا امید داشتند که «هوگو چاوز» نیز مثل دیگر سیاست بازان معمول در اکثر کشورهای امریکای لاتین از کار در بیاید. ولی آنها در این باره نیز یکبار دیگر غافلگیر شدند. «هوگو چاوز» در آغاز سال 1999 میلادی به عنوان رییس جمهور ونزوئلا «انقلاب بولیواری» اعلام کرد.

«انقلاب بولیواری» برای مردم ونزوئلا مفهوم تاریخی خاصی داشت:

• با نام بولیوار استقلال ونزوئلا پیوند خورده بود.

• با نام بولیوار لغو برده داری عجین شده بود.

• نام بولیوار (در نیمه اول قرن نوزدهم) یاد آور مقاومت آشتی ناپذیر در برابر سیاست سلطه گرانه ایالات متحده امریکا بود.

اعلام «انقلاب بولیواری» از سوی رییس جمهور، به معنای اتخاذ سیاست خارجی مستقلی برای ونزوئلا بود: چند روز بعد همه راه های هوایی ونزوئلا به روی هواپیماهای نظامی امریکا که در صدد سرکوب جنبش انقلابی کلمبیا بودند، بسته شد.

اکنون دیگر کسی شک نداشت که در ونزوئلا سیستم سیاسی فرتوت دیروز فروپاشیده است. رییس جمهور اعلام کرد که برای ایجاد نظم نوینی در جامعه تصویب قانون اساسی جدیدی ضرورت دارد و این خواست خود را به رأی عمومی گذاشت.

این اولین رفراندوم عمومی در سراسر تاریخ ونزوئلا بود. رفراندوم با بیش از سه چهارم کل آراء داده شده خواستار تشکیل مجلس وابسته به قانون اساسی شد.

چند ماه بعد، در تابستان سال 1999 میلادی انتخاب نمایندگان این مجلس صورت گرفت. بیش از 80 درصد کرسی های مجلس در اختیار رییس جمهور (جنبش جمهوری پنجم) و سازمان های مترقی دیگر: حزب «میهن برای همه مردم»، «جنبش سوسیالیستی» و «حزب کمونیست ونزوئلا» قرار گرفت.

در عرض مدت کوتاهی قانون اساسی جدید تدوین شد و طی یک رأی گیری عمومی از سوی مردم کشور با اکثریت چشمگیر آراء به تصویب رسید. **برای اولین بار در تاریخ ونزوئلا**

- حقوق مردم بومی کشور در قانون اساسی تبیین یافت،
- خصوصی کردن استخراج نفت ممنوع اعلام شد،
- مبارزه علیه فقر وظیفه اصلی دولت محسوب گردید و
- کشور نام جدیدی گرفت: «جمهوری بولیواری (انقلابی) ونزوئلا».

- «جمهوری بولیواری ونزوئلا» در سطح جهانی نیز جلب توجه کرد:
 - با بستن قراردادهایی دولت های منطقه «کاراییب» و از آن جمله کوبا می توانند نفت ونزوئلا را به قیمت هایی نازلتر از قیمت بازار جهانی دریافت کنند.
 - کوبا می تواند به جای پرداخت ارز بابت خرید نفت با ارسال پزشک و امدادگران دیگر به بهبود وضع اسفناک بهداشتی ونزوئلا کمک کند.
 - «هوگو چاوز» در کنفرانس های بین المللی به حمایت آشکار از مواضع دوستش «فیدل کاسترو» برخاست و «نئولیبرالیسم» و غارت بی بند و بار کشورهای در حال رشد را مورد حمله قرار داد.
- قانون اساسی بولیواری خصلت (کاراکتر) پارلمانی کشور را بطور بنیادی دگرگون کرد. انتخابات جدید که در همه سطوح جامعه ضرورت داشت، در تابستان و پاییز سال 2000 میلادی انجام یافت. اپوزیسیون بورژوازی علیه انتخاب مجدد «هوگو چاوز» قد علم کرد و با کاندیدای خود «آریاس کاردیناس» به صحنه آمد. «آریاس کاردیناس» کسی بود که با «چاوز» در کودتای نظامی ناموفق سال 1992 میلادی همکاری کرده بود و اکنون با طرح شعارهای "ضد امپریالیستی" پر زرق و برق می خواست از **موضع چپ** «چاوز» را مورد حمله قرار دهد و او را از سر راه بردارد.
- این خدعه بورژوازی نیز مثمر واقع نشد. «چاوز» با دو سوم کل آراء مجدداً به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. طرفداران «چاوز» توانستند در مجلس ملی و در اکثر شهرها و روستاها اکثریت آراء را به خود اختصاص دهند.
- طرفداران «انقلاب بولیواری» حق دارند، وقتی می گویند که «چاوز» احتمالاً تنها رئیس جمهوری جهان است، که با اتکاء به حداکثر آراء عمومی روی کار آمده است.
- «انقلاب بولیواری» نمی توانست تنها به عرصه سیاسی محدود بماند و ناگزیر بود که عرصه های اقتصادی و اجتماعی جامعه را فرا بگیرد.

«انقلاب بولیواری» وظایف دشواری را در برابر داشت و خواهد داشت:

- 80 درصد مردم ونزوئلا قبل از روی کار آمدن «چاوز» در فقر مطلق بسر می بردند.
- بخش اعظم معادن و صنایع تحت مالکیت بیگانگان قرار داشتند.
- زمین های کشاورزی عمدتاً در مالکیت زمینداران بزرگ قرار داشتند و اغلب زیر کشت نمی رفتند.
- صدها هزار کودک ونزوئلایی نمی توانستند به علل اجتماعی به مدرسه بروند و خواندن و نوشتن یاد بگیرند.
- رژیم «چاوز» مبارزه علیه این وضع را آغاز کرد:
 - ماهی گیران فقیر در سواحل ونزوئلا با تصویب «قانون جدید ماهی گیری» در مقابل کنسرن های بین المللی ماهی گیری (که با ماهیگیری «انبوه» ده ها هزار ماهیگیر فقیر را به خاک سیاه می نشانند و تعادل اکولوژیک دریاها را بهم می ریختند) مورد حمایت دولتی قرار گرفتند.
 - با تصویب «قوانین ارضی» مبارزه علیه زمینداران بزرگ آغاز شد.

- زمین هایی که توسط کارمندان بلند پایه دولتی غصب شده بود، خلع ید و در اختیار دهقانان بی زمین قرار داده شد.
- معادن کشور بویژه نفت ملی اعلام شد.
- با طرح برنامه آموزشی وسیع هزاران مدرسه برای بیش از یک میلیون کودک ونزولایی ساخته شدند.
- با تأسیس مراکز پزشکی میزان مرگ و میر کودکان به میزان قابل توجهی کاهش داده شد.
- دولت انقلابی دست به تصفیه بوروکراتیک شرکت نفت زد که سال های سال مثل دولتی در دولت ونزولای مشغول کار بود. بسیاری از مدیران فاسد شرکت نفت اخراج و تعدادی از آن ها قبل از رسیدن به سن بازنشستگی بازنشسته شدند.
- تعجبی نداشت اگر این اقدامات انقلابی مقاومت طبقه هنوز هم از نظر اقتصادی قدرتمند را برانگیزد. از آنجا که احزاب قدیمی عملاً فرو پاشیده بودند، ضد انقلاب در پی یافتن اهرم های دیگری بر آمد:
- رسانه های گروهی که کماکان در دست بخش خصوصی بودند، برای ضد انقلاب مانده ای آسمانی محسوب می شدند :
 - روزنامه «ال اونیورسال»
 - روزنامه «ال ناسیونال»
 - کلیه کانال های تلویزیونی بجز تلویزیون دولتی (و.ت.و)
- توطئه همه جانبه با مشاورت عوامل سازمان جاسوسی سیا آغاز شد: دروغ پراکنی شبانه روزی، مسموم کردن افکار عمومی و تحریک مردم علیه حکومت انقلابی به وظیفه اساسی **ژورنالیست های به اصطلاح بی طرف** تبدیل شد. انجمن کارفرمایان و سران فاسد سندیکاها (س.ت.و) با جنجال تبلیغاتی به میدان آمدند. اقشار بالایی کلیسای کاتولیک وارد صفوف مقاومت به اصطلاح دموکراتیک شدند و «چاوز» معتقد به کلیسا را بر آن داشتند که بگوید: " این قشر مذهبی غده سرطانی جامعه ما را تشکیل می دهد."
- اپوزیسیون دست راستی که از سرنگونی مسالمت آمیز حکومت انقلابی ناامید شده بود، بیش از پیش به ارتش روی آورد. در مطبوعات ونزولایی و امریکایی جنگ روانی آشکار و بی پرده شروع شد. «چاوز» را به عنوان آئنده جدید قلمداد کردند و عامل کاسترو. عوامل سازمان جاسوسی سیا وارد تماس با افسران فاسد ارتش شدند و سرانجام در 11 آوریل توطئه سرنگونی حکومت انقلابی در دستور روز قرار گرفت:
- انجمن کارفرمایان و سران فاسد سندیکاها (س.ت.و) مردم را به اعتصاب 24 ساعته سراسری عمومی فرا خواندند و سپس آن را تا مدت نامحدودی تمدید کردند. انتظارات آنها از اعتصاب عمومی بر آورده نشد. بیش از 80 درصد مردم اعتصاب عمومی را افشاء و محکوم کردند. حتی روزنامه دست راستی «ال ناسیونال» مجبور به اعتراف شد که فقط تعداد انگشت شماری دست به اعتصاب زده اند.
- روزنامه «التیما نوتیسیا» در 11 آوریل نوشت: "اول صبح علیرغم باران شدید افراد زیادی در خیابان ها دیده می شدند که راهی محل کار و دانشکده خود بودند. وسایل حمل و نقل عمومی بطور معمول در راه بودند و متروی «کاراکاس» هم همینطور."
- از اعتصاب عمومی نه دانشجویان و نه کارمندان دولتی استقبال نکردند. در شهرهای دیگر نیز زندگی روال عادی خود را داشت.
- «حزب کمونیست ونزولای» اعلام کرد: "توطئه دست راستی های فاشیست برای سرنگونی دولت منتخب مردم با اراده خلل ناپذیر مردم نقش بر آب شد. اکثریت عظیم مردم ونزولای به دفاع از حقوق خود و استقلال کشور خویش برخاستند."

اپوزیسیون تصمیم به تخریب و برهم زدن نظم عمومی گرفت. کسانی را که حاضر به اعتصاب نبودند مورد ضرب و شتم آشکار قرار دادند تا تحریک کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند و بالاخره روز 11 آوریل را برای توطئه جدید خود انتخاب کردند.

در این روز اپوزیسیون تظاهراتی را سازمان داد و بعد از سخنرانی های پر شور، تظاهر کنندگان را به سوی کاخ ریاست جمهوری که در جلوی آن ده ها هزار نفر از طرفداران انقلاب جمع آمده بودند، روانه کرد. طولی نکشید که ده ها هزار نفر از طرفداران و مخالفین انقلاب رو در روی هم ایستادند. ناگهان تیراندازی شروع شد. 13 نفر در خون خود غلتیدند و بیش از 100 نفر زخمی شدند.

اکنون می دانیم که تیراندازی از سوی افراد مسلح در صفوف ضد انقلاب و افراتی های دست چپی و دست راستی (باندرا روجا)، موضع گرفته در ساختمان های آسمانخراش صورت گرفته است.

بیش از 90 در صد قربانیان این تیراندازی را طرفداران «چاوز» تشکیل می دادند. ولی کسی در پی یافتن مقصر اصلی نبود. عوامل ضد انقلاب بهانه لازم داشتند و اکنون بهانه را داشتند: فیلمی دستکاری شده از حادثه تیراندازی و قربانیان آن که در استودیوی «سی. ان. ان» تهیه شده بود، همزمان از همه کانال های تلویزیونی پخش گردید، فریادها بر آسمان بر خاست: "چاوز مردم بی سلاح و بی دفاع را به گلوله بسته است."

گروهی از افسران کودتا، تلویزیون دولتی را اشغال کردند و ضمن پخش فیلم مزبور، از سایر افسران، درجه داران و سربازان ارتش خواستند که به کودتا بپیوندند. در این هنگام تانک های کودتا کاخ ریاست جمهوری را محاصره کردند و هلیکوپترها برای بمباران کاخ به پرواز در آمدند. افسران کودتا وارد کاخ ریاست جمهوری شدند و از او خواستند که استعفا بدهد. چاوز حاضر به استعفا نشد. لحظات غم انگیزی را افراد حکومت انقلابی در کاخ می گذراندند که یاد آور آخرین لحظات سالوادور آلنده در شیلی بود. آن ها تصمیم گرفته بودند همراه با رییس جمهور در کاخ بمانند و بمباران شوند، کشته شوند، بی آن که بزانو در آیند و تسلیم شوند. و سرانجام یک ساعت قبل از اتمام اولتیماتوم حاضر شدند کاخ ریاست جمهوری را ترک کنند. چاوز و بسیاری از وزراء، شهرداران و طرفداران انقلاب بازداشت و در پایگاه نظامی «فویرته تیونا» زندانی شدند.

کودتاچی ها رییس سندیکای کارفرمایان «پدرو کارمونا» را به عنوان رییس جمهور موقت اعلام کردند.

سخنگوی جرج بوش (رییس جمهور امریکا) طی کنفرانس مطبوعاتی شتابزده ای به توجیه کودتا پرداخت و رژیم انقلابی ونزوئلا را به قتل 13 نفر و زخمی کردن بیش از 100 نفر متهم کرد. مردم ونزوئلا لیکن از تجربه شیلی آموخته بودند. ونزوئلا نمی بایست شیلی دیگری باشد، سرنوشت خونین آلنده راهنمای مردم امریکای لاتین است. اقتشار زحمتکش جامعه بی درنگ بپاخواستند. آن ها حاضر نبودند دستاوردهای انقلاب بولیواری را بدون مقاومت از دست بدهند.

خیابان های اصلی شهر به اشغال مردم درآمدند. زندان «فویرته تیونا» توسط توده های عظیم مردم محاصره شد. جشن پیروزی کودتاچیان در کاخ ریاست جمهوری بهم ریخت. آنها وحشت زده از خشم مردم و بیش از 20000 سرباز واحدهای مختلف ارتش که با مردم همراه شده بودند، پا به فرار گذاشتند و تعدادی از دستگیر و در زیرزمین کاخ زندانی شدند.

عمرحکومت کودتا بیش از 48 ساعت در درازا نکشید، ولی بیش از 40 نفر قربانی گرفت. روزنامه کوبایی «گرانما» نوشت: "مردم ونزوئلا به مرحله جدیدی در تاریخ امریکای لاتین وارد شده اند. مرحله ای که مردم به دفاع از سرنوشت خود بر می خیزند و کودتاگران قانون شکن را به زانو در می آورند. این تجربه جدیدی در تاریخ خونین امریکای لاتین بود. در

ونزوئلا شکل نوینی از دموکراسی پا به هستی نهاد که از سوی مردم اعمال می شود و به هنگام خطر مردم از آن دفاع می کنند."

فردای انقلاب بولیواری ونزوئلا را نمیتوان پیشگویی کرد. مسلم است که ضد انقلاب برای سرنگونی حکومت انقلابی همه امکانات خودی و بیگانه را به خدمت خواهد گرفت. اکنون باید دید که چاوز و رژیم بولیواری تا چه حد آماده اند راه دشوار انقلاب اجتماعی را درنوردند.